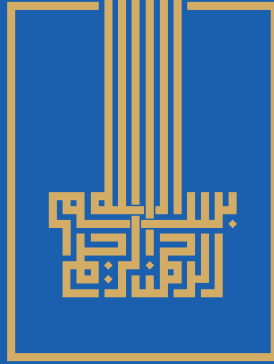




تأثير جنگ عليه ايران بر امنيت انرژي جهاني







مرکز پژوهش های اتاق ایران

تأثیر جنگ علیه ایران بر امنیت انرژی جهانی

مدیریت پژوهش های اقتصادی

تهیه کنندگان: مونا امیری، زهرا محمدی

ناظران علمی: عیسی منصور، شیمیا حاجی نوروزی

تاریخ انتشار: اسفند ماه ۱۴۰۴

شناسه یکتا: RC-1404-MER-E5-AP-1173

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

تأثیر جنگ علیه ایران
بر امنیت انرژی جهانی



مركز پژوهش‌های انرژی ایران

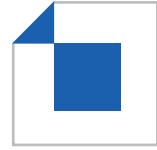
اسفند ماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب



۵	مقدمه	■
۵	جایگاه تنگه هرمز در امنیت انرژی جهان	■
۶	محور نخست: محدودیت دسترسی (Availability) و کاهش عرضه مؤثر	■
۸	محور دوم: اثرگذاری بر تاب‌آوری (Resilience) زنجیره تأمین انرژی جهانی	■
۱۰	محور سوم: اثرگذاری بر تورم و بازارهای جهانی	■
۱۱	چشم‌انداز امنیت انرژی جهان در سایه تداوم بحران در خلیج فارس	■

مقدمه



اوج‌گیری تنش‌های ژئوپولیتیک در خاورمیانه در ماه‌های آغازین سال ۲۰۲۶ بار دیگر آشکار کرد که با وجود تلاش‌های جهانی برای گذار به انرژی‌های پاک و اقتصاد سبز، حیات صنعت جهان همچنان به نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی وابسته است و هرگونه اختلال در مسیرها و گلوگاه‌های حیاتی انتقال نفت - حتی در کوتاه‌مدت - می‌تواند به‌طور مستقیم امنیت انرژی جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو، منازعه جاری در منطقه استراتژیک خاورمیانه را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های قرن حاضر دانست که ابعاد آن، نه فقط منطقه، بلکه جهان را متأثر ساخته است. در این رهگذر، تحلیل ابعاد اقتصادی اختلال در تنگه هرمز نیازمند نگاهی چندوجهی است؛ چرا که تداوم بحران نه‌تنها بر اقتصاد ایران، بلکه بر ثبات انرژی منطقه و پویایی اقتصاد جهانی آثار مهمی برجای خواهد گذاشت.

جایگاه تنگه هرمز در امنیت انرژی جهان

تنگه هرمز در خلیج فارس، پس از تنگه مالاکا دومین گذرگاه راهبردی انرژی جهان به‌شمار می‌رود و حدود ۲۰ درصد از جریان انتقال روزانه نفت جهان (معادل تقریبی ۲۱ میلیون بشکه) از این مسیر عبور می‌کند^۱. البته، اهمیت این گذرگاه تنها به نفت محدود نیست؛ تقریباً ۲۰ درصد از عرضه جهانی گاز طبیعی مایع (LNG) نیز پیش از جنگ اخیر از تنگه هرمز عبور می‌کرد. طبق گزارش S&P Global Energy، بیش از ۲ میلیون بشکه در روز از واردات نفت‌ای آسیا از این تنگه می‌گذرد و این مسیر را برای صنعت پتروشیمی آسیای حیاتی کرده است. حدود ۹۰ درصد نفت و ۸۶ درصد گاز طبیعی مایع حمل‌شده از تنگه هرمز به بازارهای آسیایی می‌رود و کشورهایی مانند هند و چین، به‌ترتیب برای حدود ۴۵ و ۳۰ درصد از واردات گاز مایع طبیعی (LNG) از قطر، به مسیر عبوری از این تنگه وابسته‌اند. از منظر صادرات نیز، تمام نفت صادراتی ایران، کویت و قطر از طریق هرمز حمل می‌شود؛ عراق حدود ۹۷ درصد، عربستان سعودی ۸۹ درصد و امارات متحده عربی ۶۶ درصد



از کل صادرات نفت خود را از مسیر این تنگه انجام می‌دهند^۱. بنابراین، بسته شدن یا حتی اختلال جدی در این گذرگاه به معنای قرار گرفتن جریان تجارت و امنیت انرژی بسیاری از کشورهای جهان در تنگنا است.

اهمیت تنگه هرمز در اقتصاد سیاسی بین‌الملل نیز بسیار بالا است؛ زیرا، حتی در شرایط ثبات ظرفیت تولید میادین نفتی منطقه، هرگونه اختلال در این گلوگاه حیاتی می‌تواند با محدود کردن قابلیت انتقال، امنیت انرژی جهان را از مسیر کاهش عرضه مؤثر در بازار به‌طور جدی تهدید کند^۲.

در شرایط کنونی، تشدید تنش‌های نظامی میان ایران، ایالات متحده و اسرائیل در منطقه خلیج فارس، موجب اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز شده است^۳ و بخش قابل توجهی از نفتکش‌ها امکان عبور از این مسیر را ندارند. این وضعیت از جنبه‌های مختلف، تبعات و آثار منفی بر امنیت انرژی جهانی بر جای گذاشته است که در ادامه، به سه محور اصلی آن پرداخته می‌شود.

محور نخست: محدودیت دسترسی (Availability) و کاهش عرضه مؤثر

در حال حاضر، تولیدکنندگان عمده نفت در منطقه -از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عراق و کویت-، به دلیل افزایش ریسک‌های عملیاتی و تهدیدات امنیتی، ناگزیر به کاهش تولید^۴ یا حتی تعطیلی موقت برخی از میادین نفتی کلیدی خود

۱. هرچند عربستان و امارات بخشی از صادرات را از طریق خطوط لوله جایگزین انجام می‌دهند، اما این ظرفیت‌ها تنها بخش محدودی از جریان عادی تنگه هرمز را پوشش می‌دهد و در صورت اتکای صرف به آن‌ها، حدود ۸ تا ۱۰ میلیون بشکه در روز از عرضه نفت خام جهان از دست خواهد رفت.

۲. براساس گزارش بلومبرگ، در سال ۲۰۲۵، حدود ۱۶٫۷ میلیون بشکه نفت و میعانات روزانه از تنگه هرمز عبور کرده است (اکوایران به نقل از بلومبرگ).

۳. براساس گزارش فاینشال تایمز، تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز از زمان آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران، حدود ۹۰ درصد کاهش یافته است (اکوایران به نقل از فاینشال تایمز). همچنین، بر اساس داده‌های سامانه‌های رهگیری دریایی که روترز به آن‌ها استناد کرده، تعداد نفتکش‌هایی که به‌طور روزانه از این گذرگاه راهبردی عبور می‌کردند از حدود ۳۷ فروند به نزدیک صفر کاهش یافته است.

۴. به‌عنوان نمونه، کشور کویت در تاریخ ۱۵ اسفندماه سال ۱۴۰۴، اعلام کرد که تولید نفت و پالایشگاه‌های خود را کاهش داده است، زیرا به دلیل بسته شدن تنگه هرمز و پر شدن مخازن قادر به صادرات و ذخیره نیست (خبرگزاری آنا).

شده‌اند. همچنین، تاکنون برخی از تأسیسات و میادین نفتی در کشورهای حوزه خلیج فارس نیز متحمل خسارات شدید شده‌اند. به‌عنوان نمونه، میدان نفتی شیبه و پالایشگاه رأس تنوره متعلق به شرکت آرامکو در عربستان سعودی، تأسیسات شرکت پابکو انرژیز و تأسیسات نفتی المعمر در بحرین، میدان نفتی سرسنگ و چاه‌های نفتی الرمیله در عراق و همچنین، انبار نفت در فجیره امارات آسیب‌دیده‌اند. از طرف دیگر، ۳۰ انبار سوخت در ایران نیز مورد حمله واقع شده است.^۱ این وضعیت موجب **شوک عرضه نفت** در جهان شده؛ به‌طوری‌که، قیمت نفت برنت از حدود ۷۰ دلار در پایان بهمن‌ماه ۱۴۰۴ و پیش از آغاز جنگ^۲، به بیش از ۱۰۰ دلار افزایش یافته است و براساس برخی از سناریوهای بدبینانه، در صورت تداوم بحران می‌تواند به ۲۰۰ دلار^۳ نیز برسد.^۴ این تحولات در بستری رخ می‌دهد که بازار نفت در سال ۲۰۲۵ با مازاد عرضه و کاهش حدود ۱۸ درصدی قیمت نفت خام برنت تا پایان آن سال مواجه بود.^۵ از آنجا که پیش از وقوع درگیری، انتظار مازاد عرضه‌ای معادل ۱.۵ میلیون بشکه در روز وجود داشت، به‌نظر می‌رسد که قیمت کنونی نفت، حتی با وجود افزایش اخیر، هنوز از سطحی که در شرایط عادی بازار و بدون مازاد عرضه انتظار می‌رفت، پایین‌تر است.

البته، اثرات این بحران تنها به بازار نفت محدود نمی‌شود. در بازار گاز نیز، اعلام توقف بخشی از تولید گاز طبیعی مایع (LNG) توسط شرکت «قطر انرژی» باعث جهش حدود ۴۰ درصدی قیمت گاز در اروپا و تقریباً دو برابر شدن قیمت گاز طبیعی در این قاره طی تنها دو روز شده است. بنابراین، اختلال در عرضه گاز، **شوک بازار گاز جهانی** (به‌ویژه در اروپا و آسیا) را در پی داشته است که احتمالاً پیامدهای آن به‌صورت **نوسانات قیمتی در بازار برق**، در این مناطق نمود خواهد کرد.

۱ . وب‌سایت تابناک، قیمت نفت رکورد زد، <https://www.tabnak.ir/005iJH>.

۲ . آکسیوس مدعی شده که در روز شنبه، ۱۶ اسفند ۱۴۰۴، اسرائیل به ۳۰ انبار سوخت در ایران حمله نظامی کرده که این حمله، از انتظارات ایالات متحده فراتر رفته است.

۳ . وب‌سایت اکوایران، قیمت نفت بعد از تمرین بستن تنگه هرمز افزایش یافت، <https://ecoiran.com/fa/news-123374>.

۴ . براساس تحلیل بانک آلمانی دویچه بانک، در صورت مسدود شدن شریان حیاتی تنگه هرمز و توقف اجباری تولید نفت در حوزه‌های نفتی خلیج فارس به‌علت وضعیت جنگی، جهان باید خود را برای نفت ۲۰۰ دلاری آماده کند (اقتصاد ۲۴ به نقل از دویچه بانک، کد خبر: ۳۵۴۷۰۷). وال استریت ژورنال نیز، پیش‌بینی نموده است که در صورت تداوم تنش، قیمت هر بشکه نفت به ۲۱۵ دلار خواهد رسید.

۵ . وب‌سایت اقتصاد ۲۴، کابوس نفت ۲۰۰ دلاری و پایان عصر انرژی مفت <https://eghtesaad24.ir/fa/news/354707>.



عامل دیگری که به کاهش عرضه مؤثر می‌انجامد، **افزایش «ریسک پرمیوم ژئوپلیتیک (Geopolitical Risk Premium)»** است. افزایش هزینه بیمه جنگ، کاهش تمایل شرکت‌های کشتیرانی به ورود به منطقه، دشواری دسترسی به ناوگان نفتکش‌ها و طولانی‌تر شدن زمان سفر، همگی عرضه مؤثر را محدود و از این طریق، امنیت انرژی را در سطح جهانی تضعیف می‌کند. بنابراین، **امنیت انرژی صرفاً دیگر مسئله «تولید و عرضه» نیست، بلکه به «امکان انتقال پایدار و قابل پیش‌بینی» نیز مربوط است.** آمارهای کشتیرانی بلومبرگ در بازه اول تا ششم مارس نشان می‌دهند که تردد کشتی‌های تجاری در اطراف تنگه هرمز نسبت به مدت مشابه سال قبل بیش از ۸۵ درصد کاهش یافته است؛ کاهش که نه تنها جریان انتقال انرژی، بلکه حمل‌ونقل کالایی را نیز مختل کرده و فشار مضاعفی بر زنجیره‌های تأمین جهانی وارد می‌کند.

محور دوم: اثرگذاری بر تاب‌آوری (Resilience) زنجیره تأمین انرژی جهانی

منازعه کنونی در خاورمیانه نشان داد که امنیت انرژی تنها به یک کشور و یا یک منطقه محدود نمی‌شود؛ بلکه، مفهومی جهانی و درهم‌تنیده است و اختلال در یک گلوگاه حیاتی می‌تواند کل زنجیره تأمین و ثبات اقتصاد جهانی را تهدید نماید. در واقع، بحران تنگه هرمز تنها به عرضه نفت محدود نمی‌شود، بلکه ثبات بازارهای کالایی، صنعتی و غذایی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد به‌عنوان مثال، کاهش تولید گوگرد مورد استفاده در تولید اسید سولفوریک (مورد نیاز برای استخراج مس و کبالت باتری خودروهای برقی، شبکه‌های برق، ترانسفورماتورها و تجهیزات الکترونیکی پیشرفته)، کمبود برق برای صنعت نیمه‌هادی تایوان (وابسته به LNG قطر) و افزایش هزینه تولید کودهای نیتروژنی از هزینه‌های آشکار تأثیرات زنجیره‌ای این بحران هستند.^۱ بر این اساس، محور دیگری که تحت پیامدهای منفی اختلال در تنگه هرمز قرار می‌گیرد، **تاب‌آوری زنجیره تأمین انرژی جهانی** است. هرچه این زنجیره تاب‌آوری بالاتری داشته باشد، کمتر دچار اختلال شده و با سرعت بیشتر قادر به مدیریت بحران می‌شود. در بحران کنونی، چند مؤلفه کلیدی تاب‌آوری زنجیره تأمین تضعیف شده است:

۱) حمل‌ونقل دریایی و بیمه: با افزایش ریسک‌های امنیتی در آبراهه‌های خلیج فارس،

۱. وبسایت اکوایران، اختلال در تنگه هرمز، <https://ecoiran.com/fa/tiny/news-126137>.

هزینه حمل‌ونقل دریایی به سرعت افزایش یافته است و شرکت‌های بیمه نیز، یا حق بیمه جنگ را بالا می‌برند و یا پوشش خود را محدود می‌کنند. به‌عنوان نمونه، شرکت‌های بیمه دریایی اسکولد و گارد تنها دو روز پس از آغاز منازعه، پوشش بیمه خطر جنگ برای کشتی‌ها را لغو کردند. در مقابل، شرکت مالی توسعه بین‌المللی آمریکا ناگزیر شد تا برای حفظ جریان انتقال نفت و گاز در ببحوجه درگیری، ضمانت گرامت‌های دریایی تا سقف ۲۰ میلیارد دلار در منطقه خلیج فارس را برعهده بگیرند.^۱

علاوه بر دریا، بخشی از زیرساخت‌های حمل‌ونقل هوایی منطقه نیز تحت‌تأثیر قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که بخشی از ظرفیت حمل‌ونقل هوایی امارات متحده عربی و قطر از کار افتاده و انتظار می‌رود هزینه ترانزیت هوایی و در نتیجه هزینه مبادله کالاهای فاسدشدنی، دارو و سایر کالاهای باارزش که عموماً با هواپیما جابه‌جا می‌شوند، افزایش یابد. این تحولات، ریسک اختلال در زنجیره تأمین کالاهای حیاتی را برای بسیاری از اقتصادهای وابسته به واردات بالا می‌برد.

(۲) محدودیت در مسیرهای جایگزین برای دور زدن تنگه هرمز: اگرچه برخی کشورهای منطقه نظیر کشور عربستان برای کاهش آسیب‌پذیری، مسیرهای انتقال جایگزین ایجاد کرده‌اند، اما جایگزینی کامل این مسیرها پرهزینه و دارای محدودیت‌هایی است و در نتیجه، ریسک سیستماتیک همچنان پابرجاست. به‌عنوان نمونه، افزایش ناگهانی جریان انتقال از این مسیرها نیازمند آمادگی فنی و لجستیکی است؛ ضمن آنکه، پایانه‌ها و زیرساخت‌های صادراتی نیز می‌توانند هدف تهدیدات قرار گیرند.

(۳) فشار بر بخش ذخیره‌سازی، پالایش و توزیع: هرگونه اختلال در انتقال نفت خام، به‌سرعت به بخش پالایش و سپس، بازار فرآورده‌های نفتی سرایت می‌کند. کشورهایی که وابستگی بالایی به واردات فرآورده (بنزین، دیزل، سوخت جت) دارند، ممکن است حتی زودتر از بازار نفت خام با کمبود یا جهش قیمت مواجه شوند. از سوی دیگر، هرگونه ناهماهنگی در ذخیره‌سازی و توزیع نیز می‌تواند مشکل را تشدید کند؛ یعنی حتی اگر بخشی از نفت جایگزین نیز وارد شود، الزاماً به‌موقع به مصرف‌کننده نهایی نمی‌رسد. پر شدن سریع ظرفیت تجهیزات ذخیره‌سازی در برخی نقاط و احتمال توقف فعالیت بخشی از پالایشگاه‌ها، از دیگر نشانه‌های فشار بر حلقه پالایش و توزیع است؛ وضعیتی که در صورت تداوم، می‌تواند به کمبود سوخت و تشدید نوسانات قیمتی فرآورده‌های نفتی منجر شود.



محور سوم: اثرگذاری بر تورم و بازارهای جهانی

افزایش قیمت انرژی تنها پدیده‌ای بخشی نیست، بلکه بر **تورم، رشد اقتصادی و ثبات مالی جهانی** تأثیر مستقیم دارد. جهش قیمت نفت خام معمولاً با وقفه کوتاه به افزایش قیمت بنزین، دیزل و سوخت جت منجر می‌شود. این امر هزینه حمل‌ونقل زمینی، دریایی و هوایی را بالا می‌برد و سپس به صورت زنجیره‌ای، موجی از **افزایش قیمت کالاهای مصرفی (به‌ویژه غذا و کالاهای وارداتی)** را ایجاد می‌کند. همچنین، افزایش قیمت انرژی، **سودآوری صنایع انرژی‌بر را کاهش می‌دهد** و می‌تواند منجر به **رکود نسبی، افت شاخص‌های سهام در برخی بخش‌ها، افزایش هزینه تأمین مالی و تعویق پروژه‌های سرمایه‌گذاری** شود. در سطح دولت‌ها نیز، کسری بودجه و افزایش هزینه یارانه‌های انرژی در کشورهای واردکننده، پایداری مالی آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد.

به‌عنوان نمونه، در مورد اروپا، حتی وقفه‌ای چند هفته‌ای در مبادلات انرژی می‌تواند ریسک بی‌ثباتی را به شدت افزایش داده و امنیت انرژی این قاره را در آستانه شکنندگی قرار دهد. برای واردکنندگان بزرگ آسیایی مانند چین و هند که بخش عمده انرژی خود را از خاورمیانه تأمین می‌کنند، افزایش قیمت‌ها و نااطمینانی در عرضه، به معنای فشار بیشتر بر تراز تجاری، تشدید تورم داخلی و افزایش هزینه تولید است. در مورد چین، که حدود ۹۰ درصد از صادرات نفت ایران (معادل حدود ۱۳ درصد از کل واردات نفت خام این کشور) را جذب می‌کند، افزایش قیمت انرژی و ریسک اختلال در عرضه، فشارهای ارزی و تورمی را تشدید کرده و حاشیه سود صنایع انرژی‌بر نظیر فولاد، مواد شیمیایی و صنایع الکترونیک را کاهش می‌دهد. این وضعیت می‌تواند رقابت‌پذیری قیمتی صادرات چین را تضعیف و مازاد تجاری این کشور را که برای جبران ضعف‌های اقتصادی داخلی به آن متکی است، در معرض تهدید قرار دهد.^۱

بنابراین، کشورهای واردکننده بزرگ انرژی (به‌ویژه در آسیا و اروپا) به‌طور مستقیم از کانال افزایش هزینه واردات و بدتر شدن تراز پرداخت‌ها آسیب می‌بینند. در مقابل، برخی صادرکنندگان ممکن است از افزایش قیمت منتفع شوند؛ اما **این منفعت لزوماً پایدار نیست**، زیرا ناامن شدن مسیرهای صادراتی، افزایش هزینه‌های بیمه و حمل‌ونقل و همچنین، ریسک آسیب به زیرساخت‌ها می‌تواند ظرفیت صادرات واقعی را کاهش دهد. بنابراین، **حتی برای صادرکنندگان نیز قیمت بالاتر الزاماً به معنای امنیت**

1. New Lines Institute for Strategy and Policy

اقتصادی بیشتر نیست.

همچنین، به‌طور هم‌زمان افزایش قیمت انرژی هزینه تولید در بخش کشاورزی (به دلیل رشد قیمت نهاده‌های مبتنی بر سوخت و گاز، مانند کودها) و صنعت را نیز بالا می‌برد و در صورت طولانی شدن درگیری، امنیت غذایی را -حتی در برخی کشورهای ثروتمند- در معرض خطر قرار می‌دهد. صنایعی مانند لجستیک، حمل‌ونقل، هوانوردی و کشتیرانی که شدت مصرف انرژی بالایی دارند، در خط مقدم این فشارها قرار می‌گیرند و پس از آن، صنایع وابسته به مواد شیمیایی و سپس صنایع وابسته به برق (مانند فلزات و کانی‌های غیرفلزی) متأثر می‌شوند. با توجه به جهانی بودن زنجیره‌های تأمین، این اختلالات به تدریج در سطح جهان گسترش یافته و باعث **کند شدن مبادلات کالایی و سرمایه‌ای می‌شود.** از سوی دیگر، **تورم ناشی از اختلال در تجارت انرژی،** جریان تجارت غیرنفتی را نیز کند کرده و با افزودن لایه‌ای از عدم قطعیت -چه در حوزه تعرفه‌ها و چه در حوزه تأمین مالی-، می‌تواند به **کاهش سرمایه‌گذاری، بی‌ثباتی بازارها و سست شدن اعتماد فعالان اقتصادی** بینجامد.

در همین بستر پرتنش، تحولات سیاسی و تجاری میان قدرت‌های بزرگ نیز بر ابهام‌ها می‌افزاید. برای نمونه، اعلام تصمیم دولت آمریکا برای تعلیق یا قطع برخی روابط تجاری با کشورهایی که در مناقشه خاورمیانه همسو با واشنگتن عمل نکرده‌اند، لایه دیگری از ریسک و بی‌ثباتی را بر جریان‌های تجاری جهانی تحمیل کرده و چشم‌انداز رشد اقتصاد جهان را با موانع تازه‌ای روبه‌رو ساخته است. از آنجایی که تجارت، موتور رشد اقتصادی است، نااطمینانی پیرامون منابع انرژی خلیج فارس، با بی‌ثبات کردن بازارها، کاهش سرمایه‌گذاری و تضعیف اعتماد، اقتصاد جهانی را در معرض رکودی قرار می‌دهد که مشخصه اصلی آن، کاهش تولید صنعتی و کندی تجارت بین‌المللی است.^۱

چشم‌انداز امنیت انرژی جهان در سایه تداوم بحران در خلیج فارس

در حال حاضر، به نظر می‌رسد که چشم‌انداز امنیت انرژی جهان در صورت تداوم و یا تشدید بحران، بیش از هر چیز به سه متغیر «مدت زمان اختلال در تنگه هرمز»، «سطح



درگیری و گستره آسیب به زیرساخت‌های انرژی»، و «میزان هماهنگی قدرت‌های بزرگ در مدیریت بحران» وابسته است.

در کوتاه‌مدت، ابزارهای مدیریت بحران محدود هستند، اما اقداماتی نظیر **آزادسازی ذخایر راهبردی، مدیریت تقاضا و تنوع مسیرهای واردات** می‌توانند بخشی از اثر شوک عرضه را تاحدی تعدیل کند. با این حال، در بلندمدت، مسیر امنیت انرژی جهانی به چگونگی درک دولت‌ها و بازار از ماهیت این بحران بستگی دارد. اگر آن را یک شوک گذرا بدانند، بازارها به تدریج به حالت عادی بازمی‌گردند؛ اما اگر به‌عنوان ریسک ژئوپلیتیک پایدار تلقی شود، جهان به سمت سرمایه‌گذاری گسترده در انرژی‌های تجدیدپذیر، منابع غیرفسیلی و مسیرهای ترانزیت امن تر حرکت خواهد کرد.

البته در عین حال، باید هشدار داد که اگر دامنه این درگیری به سایر کشورهای تولیدکننده نفت در منطقه سرایت کند یا آسیب‌های مداوم و گسترده‌ای به زیرساخت‌های نفت و گاز خلیج فارس وارد شود، پیامدهای آن بر عرضه و قیمت نفت و گاز طبیعی مایع، به‌مراتب فراتر از وضعیت کنونی خواهد بود و می‌تواند یک شوک ساختاری و طولانی‌مدت به تجارت و اقتصاد جهانی وارد کند. از منظر داخلی نیز، در صورتی که تأسیسات نفتی ایران متحمل آسیب‌های جدی شود، پیامدهای اقتصادی آن برای کشور بسیار سنگین خواهد بود. ایران سومین ذخایر اثبات‌شده بزرگ نفت جهان را در اختیار دارد، زیرساخت‌های نفت و گاز آن از نظر هزینه حفاری و فرآوری نسبتاً کم‌هزینه و کارآمد است و با تولید حدود ۳.۲ میلیون بشکه در روز (معادل حدود ۴ درصد تولید جهانی) و صادرات نزدیک به ۱.۵ میلیون بشکه در روز (علی‌رغم تحریم‌ها)، نقش مهمی در تأمین تقاضای جهانی بر عهده دارد. در چنین شرایطی، آسیب عمیق به زیرساخت‌های نفت و گاز، نه‌تنها درآمدهای ارزی ایران را به شدت کاهش می‌دهد، بلکه بر رشد اقتصادی، اشتغال، تراز پرداخت‌ها و ثبات مالی کشور اثر منفی و احتمالاً ماندگار خواهد گذاشت.

در این شرایط، بازتعریف دیپلماسی انرژی جهانی و منطقه‌ای ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ رویکردی که با ترکیب دیپلماسی فعال، توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای و اصلاحات داخلی می‌تواند جایگاه ایران را در معادلات جدید انرژی ارتقا دهد و از یک نقطه آسیب‌پذیر، به کنشگری راهبردی در معادلات امنیت انرژی جهان تبدیل کند.



تهران، خیابان طالقانی،
نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵
تلفن: ۸۵۷۳۰۰۰۰ (۰۲۱)
RC.ICCIMA.IR